

چرا نوآوری باز، آینده سازمان‌هاست

نوآوری اکوسیستمی هم دامنه دیدرا افزایش می‌دهد و هم پیچیدگی را. نگاهی کاربردی به این‌که چگونه می‌توان با استارتاپ‌ها و متخصصان بیرونی همکاری کرد، بدون این‌که راهبری و مالکیت فکری سازمان قربانی شود.

Shahla Zandi · Head of Innovation Strategy
Published Aug 17, 2026 · 153 views
Generated Nov 26, 2026 · idinext.com/blog/چرا-نوآوری-باز-آینده-سازمانهاست

Open Innovation · Ecosystem Innovation · Startup Collaboration · Corporate Venturing · Technology Scouting

دیوارهای بلند، ایده‌های کم

برای دهه‌ها، بخش‌های تحقیق و توسعه سازمان‌های بزرگ با یک فرض ساده کار می‌کردند: بهترین ایده‌ها از داخل سازمان بیرون می‌آیند، پس باید محرمانه نگه داشته شوند تا کسی آن‌ها را ندزدد. این فرض هزینه‌ای پنهان داشت که کمتر کسی آن را محاسبه می‌کرد: هر ایده‌ای که از بیرون سازمان می‌آمد، یا اصلاً شنیده نمی‌شد یا در فرآیندی طولانی از تأیید حقوقی گم می‌شد.

امروز آن معادله برعکس شده است. سرعت تغییر فناوری، به‌ویژه در حوزه‌های نرم‌افزار و هوش مصنوعی، به قدری بالاست که هیچ بخش تحقیق و توسعه داخلی، هر چقدر هم بزرگ، نمی‌تواند به تنهایی از پس رصد همه مسیرهای ممکن برآید. سازمان‌هایی که همچنان منتظر می‌مانند تا همه‌چیز را خودشان اختراع کنند، عملاً منتظر می‌مانند تا رقبایشان با شریک شدن با یک استارتاپ سه‌نفره، از آن‌ها جلو بزنند.

چهار الگوی همکاری که واقعاً جواب می‌دهد

اسکوتینگ فناوری، یعنی رصد سیستماتیک استارتاپ‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه‌های مشخص، ساده‌ترین نقطه شروع است و کمترین ریسک حقوقی را دارد. چالش‌های باز نوآوری، که در آن یک مسئله واقعی سازمان به بیرون اعلام می‌شود، دومین الگو هستند و وقتی معیار ارزیابی از قبل شفاف باشد، بهترین نتیجه را می‌دهند.

سرمایه‌گذاری خطرپذیر شرکتی، یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم در استارتاپ‌های مرتبط، الگویی عمیق‌تر و کندتر است اما دسترسی بلندمدت به فناوری را تضمین می‌کند. و درنهایت، برنامه‌های شتاب‌دهی مشترک، که در آن سازمان منابع و بازار خود را در اختیار چند استارتاپ منتخب قرار می‌دهد، برای سازمان‌هایی که به دنبال تحول در یک حوزه خاص هستند، مناسب‌ترین گزینه است.

مالکیت فکری: جایی که همکاری‌ها معمولاً شکست می‌خورند

بزرگ‌ترین دلیل شکست همکاری‌های باز نوآوری، فناوری نیست -- قرارداد است. وقتی یک استارتاپ کوچک با یک سازمان بزرگ وارد مذاکره می‌شود، تیم حقوقی سازمان معمولاً قراردادی استاندارد ارائه می‌دهد که مالکیت هر خروجی مشترک را به‌طور کامل به سازمان منتقل می‌کند. برای استارتاپ، این یعنی از دست دادن تنها دارایی واقعی‌اش.

راه‌حل، ساده‌سازی زودهنگام چارچوب مالکیت فکری است: پیش از شروع هر همکاری، مشخص شود که فناوری پایه متعلق به کیست، خروجی مشترک چگونه تقسیم می‌شود، و در صورت شکست همکاری، هر طرف چه چیزی را با خود می‌برد. سازمان‌هایی که این چارچوب را از قبل آماده دارند، می‌توانند در چند هفته قرارداد ببندند؛ بقیه ماه‌ها در دور بازبینی‌های حقوقی گیر می‌کنند و بهترین شرکا را از دست می‌دهند.

راهبری بدون کندی

نگرانی مشروع مدیران ارشد این است که باز کردن درها به روی بیرون، به معنای از دست دادن کنترل کیفیت باشد. پاسخ، نه بستن دوباره درها، بلکه طراحی یک دروازه ورودی سبک است: معیارهای شفاف برای پذیرش یک همکاری بیرونی، یک مالک مشخص در داخل سازمان برای هر همکاری، و بازبینی دوره‌ای کوتاه به‌جای فرآیندهای تأیید طولانی.

سازمان‌هایی که در نوآوری باز موفق هستند، آن را نه به‌عنوان تهدیدی برای تیم داخلی، بلکه به‌عنوان یک لایه اضافی از قیف نوآوری خود می‌بینند -- لایه‌ای که دسترسی به ایده‌هایی را ممکن می‌سازد که هرگز از داخل سازمان بیرون نمی‌آمدند.